

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هیأت تحریریه «آرخش»

لوزان - سویس

۲۷ دسامبر ۲۰۰۹

سی اُمین سالروز تجاوز نظامی اتحاد شوروی

سوسیال – امپریالیستی بر حریم کشور باستانی ما افغانستان

دو پدیده نهایت تکانه‌دهنده و اکراه آور در دهه نود قرن گذشته در افغانستان نمایان گردید. یکی تسلط احزاب اسلامی گوناگون زیر نام «مجاهدین» به همدستی بقایای ملیشه دولتی پرورده شده توسط روس ها و نوکران «خلقى» - پرچمی شان (باند رشید دوستم و «گلم جم ها»); و دیگر ، رها ساختن پاده وحوش به نام «طالبان» توسط امریکا - انگلیس ، متحدین عرب و نوکر پاکستانی شان بود که نه تنها باعث تخریب فزیک پایتخت کشور و مراکز شهرها و دهات آن شد بلکه زمینه سازیک تجاوز نظامی دیگر و اشغال دوباره سرزمین ما گردید. ولی این دو پدیده به ذات خود و به شکل مستقل ظهور و نمو ننوده بلکه به عنوان دوام توطئه ها و دست اندازی های غرب ، به کمک ممالک اسلامی چون عربستان سعودی و پاکستان همراه با مداخلات بیشرمانه آخوندهای ایران ، با روپوش کمک به مردم افغانستان در دفاع از دین و عقاید مذهبی شان در برابر استیلا به اصطلاح «کمونیسم» ، اعمال می گردید که در آن نقشه ها و مداخلات رذیلانه برای بربادی افغانستان و ملت افغان ، تسلط بر قلمرو کشور و به یغما بردن منابع زیرزمینی آن ، تا امروز ، هدف اعتراف نشده ای است.

هراغان شریفی که قلبش واقعاً برای سرزمین آبائی اش و مردم فقیر ، دردمند ، زیرستم و بیکار و بی روزگارش می سوزد ، باید برای دوسؤال اساسی در ذهن خود پاسخ بجوید:

یکی اینکه اگر امریکا هدف بهره کشیدن از منابع طبیعی افغانستان را برای تأمین ذخایر ملی - امپریالیستی خود نداشته باشد ، چگونه حاضر است هزارها میلیون دلار از هشت سال به اینسو ، باتلفات نه بس اندک سربازانش ، در عملیات وسیع نظامی در کشوری به مصرف برساند که به جزمخروبه ها و دشت های خشک و شرایط ناگوار اقلیمی ، چیزی به نفع فوری «جهان متمدن» (اگر بازار کالاها را دست کم بگیریم) در آن دیده نمی شود؟

دوم اینکه ، چگونه ممکن است که اولین قدرت اقتصادی و نظامی جهان به همراهی متحدین پیمان نظامی اش («ناتو») و معادل «انسانی» آن درچوکات سازمان ملل متحد («ایساف») ، از هشت سال به اینسویه دنبال صرفاً یک فرد (اوسامه بن لادن) ، با پیشرفته ترین ساز و برگ جنگی افتاده اند ولی هنوز هم قادر به دستگیری او نمی شوند؟ اگر به عوض اوسامه بن لادن ، یک انقلابی راستین درکوهپایه های میان افغانستان و پاکستان مخفی می بود ، با اینهمه امکانات ، به اضافه پیشرفته ترین وسایل جاسوسی و کشف ، حتماً تا حال از مدتها به وی رسیده می بودند.

واقعیت ها چنین می رسانند که اوسامه بن لادن به عنوان یک جاسوس سابقه دار و پرورده دامن «سی. آی. ای.» آمریکا و به عنوان عضو یکی از غنی ترین خانواده های عرب (شریک سهامی و دوست خانواده جورج بوش) ، نمی تواند آن «مسلمان تارک دنیا» و «قبله آمل مسلمین جهان» که خود را وانمود می نماید ، باشد بلکه بهبانه ایست که آمریکا - انگلیس و دیگر استیلاگران فاشیست عمداً - واز طریق صحنه سازی خودساخته و خود بافته حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ - در کشور ما تعیین نموده اند و تازمانی که نقشه ها و طرح های استعماری و تجاوزی آمریکا - انگلیس و همدمستان آنها در جریان است ، نه گرفتاری اوسامه بن لادن اولویت خواهد داشت و نه هم از میان بردن واقعی شبکه تروریستی «القاعده». مگر بارها در مطبوعات ، خود افسران امریکائی یاد آور نشده اند که در «دوقدمی» بن لادن رسیده بودند ولی «کاخ سفید» امر دستگیری اوسامه را صادر نکرد ؛ و به وی عمداً زمینه را مساعد ساخت تا به سرحد میان افغانستان و پاکستان فرار نماید.

آنچه مسلم است اینکه استعمارگران غربی و متحدین به سردمداری اضلاع متحده آمریکا ، با چند حربه تبلیغاتی به کشورهای ما حمله نموده و مصروف کشتار و تاراج اند:

ادعای دروغین «مبارزه با تروریسم» ، «تأمین امنیت» ، «بازسازی کشور» و «استقرار دموکراسی».

راجع به ادعای دروغین «مبارزه با تروریسم» (که خود عامل و مروج آن اند) ، در بالا متذکر شدیم. حال اگر هموطن خوشباوری هنوز هم فریب سه حربه دیگر تبلیغاتی را خورده باشد ، فقط باید به این واقعیت های تلخ نگاه کند:

وضع فلاکتبار زندگی مردم ، بقاء جنایتکاران جنگ سالار و نصب شان در مقامات بلند دولتی توسط استعمارگران و قراردادن شان در پهلوی عروسک کوکی آمریکا (حامد کرزی) ، نفوذ و قدرت قاچاقبران مواد مخدر ، قتل ها و جنایات بی بازخواست در مرکز و ولایات ، بم گذاری ها و حملات انتحاری (که بیشترین سود تبلیغاتی را اشغالگران برای اغفال ذهنیت عامه کشور های شان از آن می برند و به احتمال که بعضاً توسط خود آنها سر هم بندی می شود) ، شهر و ده مخروبه که از بازسازی چه که از آثار زندگی در آن چیزی دیده نمی شود و با صدها و هزارها ماین ضد نفر فرش اند ؛ و در نهایت ، هموطن خوشباور باید به مثتی روشنفکر خود فروخته شبه «چپ» نظر اندازد که تا دیروز در صف مردم خزیده و گویا به ضد قوای اشغالگر روس و دولت دست نشاندۀ آن مبارزه می کردند... و امروز همراه با «خلفی» - پرچمی ها از یک یخن - یعنی یخن بادار امریکائی - سربرون می کنند. آری! خیانت ها و جنایات «خلفی» - پرچمی ها با مساعد ماندن شرایط به نفع وطن فروشان و نوکران گوناگون استعمار ، کماکان به ضد منافع مردم و به ضد منافع ملی دوام دارد.

چنانچه در آغاز اشاره شد ، پدیده «مجاهدین» و پدیده «طالبان» پیامد طرح های ماقبل آنها بوده و آن موجودات بی شعور و بی اراده را باداران شان، به سان سگان پاچه گیر و هاراستعمار ، بر مردم رها نمودند ؛ ولی دو پدیده کلیدی

که در آن ها دو نوع استعمار به دوشکل ، به واسطه دو گماشته «باشعور» خود ، وبا طرح های خیلی دقیق و محاسبه شده به ظهور رساندند ، یکی در آغاز قرن بیست و دیگری در پایان قرن بیست به منصفه اجرا گذاشته شد.

پدیده شوم اولی ، گسیل آل یحیی (نادر و برادران) در آخرین سال های دهه بیست میلادی جهت نقب زدن اولین نمودهای ترقی و تعالی و برای فلج نمودن زندگی اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی مردم ما به نفع هند برتانوی و استعمار انگیس بود. و پدیده دومی ، تدارک تجاوز برافغانستان و اشغال آن در آخرین سال های دهه هفتاد میلادی توسط سوسیال امپریالیزم شوروی می باشد که البته آل یحیی در پیدایش و مدد رسانی پدیده دوم - در دربار ظاهر شاه و به وسیله سردار داوود و «غلام بچه» وی بیرک «کارمل» - نقش اساسی و تعیین کننده داشت. به همین دلیل است که زوزه های نامزدهای اکادمیسین برای تطهیر سردار داوود و ماستمالی نمودن خیانت ملی وی ، فقط تلاش بیست برای هموار نمودن راه برای خیانت های ملی بیشتر و در حال تکوین.

باند و ظن فروش و جاسوس «دموکراتیک خلق» که با خود فروشی اعضای بدنام «خلقى» - پرچمی آن ، سرازیر شدن ارتش صدهزاری «امپراطوری شوروی» را زمینه سازی نمود ، به دلیل «آگاه عمل نمودن» شان در تحویلدهی کشور به بیگانگان و تمایل رسوا به رقیب امریکائی سوسیال امپریالیزم شوروی ، بیشترین مسؤولیت تاریخی رادر کشتار در افغانستان ، ویرانی کشور ، آوارگی اهالی آن ، بر بادى ارزش های والای فرهنگی و جنایات حاضر در افغانستان دارند. آنچه برای «خلقى» - پرچمی ها مطرح است ، نجات از خشم مردم و آرام به سر رساندن چند روز از حیات ننگین شان است. هیچ فرد شریف و وطنپرست افغان که واقعاً قلبش برای وطن ویران و هموطنی مظلومش می سوزد ، نباید فریب «وطنپرستی ها» ، «ملی گرائی ها» ، «سینه چاک کردنها» و دیگر مکر ها و حيله های آنها را ، چه در داخل کشور و چه در تالارهای مجلل تلویزیون های بلندگوی سرویس های جاسوسی استعمارگران و «اعطای جوایز هنری» و امثال آن را خورده و به خاطر داشته باشند که «آزموده را آزمودن خطاست» (آنها به قیمت خون یک و نیم ملیون شهید و ویرانی کشور).

آن و ظن فروشان جاسوس که دیروز توسط سوسیال - امپریالیزم روس تطمیع می شدند و دروازه های کشور را برای تجاوز نظامی و اشغال سخاوتمندانه بار نمودند ، امروز بر چکمه های «عموسام» روی می ساینند و فردا... باز هم مصروف به حراج ماندن جان و مال مردم و خاک وطن خواهند بود. یگانه برخورد سالم با این «فرزندان» ناخلف مام وطن ، افشاء مکارگی های عوامفریبانه آنها و تعمیم خواست به محاکمه کشیدن آنها توسط قربانیان مظلوم شان و مجازات شان می باشد. و آن زمانی که افغانستان آزاد و سر بلند دوباره قد راست نماید (که آن طلوع خورشید آزادی را خفاشان «خلقى» - پرچمی مساوی به مرگ خود دانسته و ظلمت شب دیجور بر بریت و هرج و مرج حاضر بستر امن و پناه شان است) ، دولت و حکومت مردم می باید محکمه «نورنبرگ» از سنخ توده ئی را برای محاکمه بادران سوسیال امپریالیست شان راه اندازد. به امید آن روز!

مرگ بریقایای فاشیزم «شوروی» در نقاب «بازار آزاد»!

توطئه های «ملی!!» و «وطنپرستانه!!» جاسوسان «خلقى» - پرچمی امریکا را افشاء نمایم!

برای نجات مردم و کشور از سلطه فاشیزم امریکا و متحدین به دور آرمان ملی - انقلابی گردانیم!

به پیش در راه یک تحرک آزادیخواهانه و برنامه ریزی یک جنبش واقعاً ملی و انقلابی!